

میتینگهای ما پیام متفاوتی به مردم دنیا خواهد داشت



صفحه ۲

مصاحبه با اصغر کریمی درباره میتینگ و تظاهرات در اسلو!

هفتگی: روز ۱۰ دسامبر همزمان با اعطای جایزه نوبل به شیرین عبادی در اسلو میتینگ و تظاهرات است، هدف و پیام این تظاهرات چیست؟
اصغر کریمی: میخواهیم حقیقت را به افکار عمومی بگوئیم. در بیانیه کمیته صلح نوبل از ایران به عنوان جامعه ای اسلامی اسم برده شده. میخواهیم به مردم دنیا بگوئیم که این يك دروغ بزرگ است. جامعه ایران علیه اسلام بلند شده است و دارد اسلام را دفع میکند. این است واقعیت جامعه ایران. هم در این بیانیه و هم در نطق های خانم عبادی که روز ده دسامبر هم دوباره در بوق میشود میگویند اسلام با حقوق بشر تناقضی ندارد،



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

همه چشمها بسوی کارگران نفت

شهلا دانشفر



اولتیماتوم دادند که اگر به خواست کارگران پاسخ مثبت و روشن داده نشود به اعتصابی متحدانه دست خواهند زد. این حرکت اعتراضی بیش از هر چیز اتحاد و همبستگی بین کارگران بخش های مختلف پتروشیمی را به نمایش گذاشت.

علاوه بر پتروشیمی اکنون در میان کارگران بخش های دیگر نفت در بخش خدمات و انکشاف و شرکت های گاز وابسته به نفت و پالایشگاه آبادان علیه سیاست خصوصی سازیها و عواقب آن و نیز به اجرا گذاشته شدن بیکارسازیها صدای اعتراض کارگران بلند شده است. روز ۲۲ آبانماه صدها تن از کارگران بازنشسته آبادان در مقابل کارگزینی این پالایشگاه تجمعی اعتراضی بر پا کردند. کارگران نسبت به عدم واگذاری خانه های سازمانی که به آنها وعده داده شده بود و بابت آن ۲ میلیون ودیعه پرداخت کرده بودند، معترض بودند. در برابر این توطئه کارگران به خشم آمده و دست به تجمع اعتراضی زدند و این اعتراضات هم اکنون ادامه دارد. طبق گزارشات در پالایشگاه آبادان از ۴۰۰۰ کارگر شاغل تنها ۱۸۰۰ کارگر در کار خود باقی خواهند ماند. مجموعه این گزارشات حاکی از وجود وضعیتی انفجاری در میان کارگران

صفحه ۳

بیش از یکماه است که کارگران پتروشیمی همچنان در بیشاپیش مبارزه علیه بیکارسازیها به اعتراضاتشان ادامه میدهند و به انتقال خود به بخش خصوصی معترضند. این اعتراضات هم اکنون شدت بیشتری بخود گرفته است.

تجمع اعتراضی بیش از ۶۰۰ کارگر پتروشیمی اراک در روز دوشنبه سوم آذرماه در سالن آمفی تئاتر این مجتمع مهمترین خبر اعتراضی در هفته گذشته بود که در میان کارگران نفت انعکاس وسیعی داشت. در این تجمع اعتراضی رئیس پتروشیمی اراک در تجمع کارکنان حاضر شد و اعلام کرد که با توجه به قوانین مصوب هیئت مدیره پتروشیمی و لزوم تداوم تولید در پتروشیمی اراک امکان پذیرفتن درخواستهای کارگران وجود ندارد. اما این سخنان با اعتراض شدیدی روبرو گردید و کارگران همچنان برخواستهای خود پافشاری کردند. طبق گزارشات بخشی از کارکنان پتروشیمی با توجه به بی تفاوتی مسئولان پتروشیمی به خواستهای خود، تصمیم گرفتند اعتصاب غذای سه روزه ای را در هفته آینده برگزار کنند.

قابل توجه اینکه روز اول آذر ماه گروهی از کارکنان شرکتهای پتروشیمی آبادان، اصفهان، خارك و اراک به مجلس اسلامی رفتند و

شماره تلفن های تماس برای شرکت در نگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

انگلستان: ۰۰۴۴-۷۸۱ ۵۹۰ ۲۲۳۷
آلمان: ۰۰۴۹-۱۷۹ ۹۶۷ ۷۸۰۱-۲
سوئد: ۰۷۳ ۹۸۶ ۸۰۵۱
فنلاند: ۰۵۰ ۳۵ ۷۳ ۵۶۴
نروژ: ۰۰۴۷ ۹۲۰ ۶۲۵۴۱

نوری در تاریکی

باند اسلامی تروریستی مقتدا صدر فراری داده شد

صفحه ۳

خلغالی شاخص حکومت اسلامی بود

صفحه ۴

خلغالی جلاد مرد!

صفحه ۴

در حاشیه چند خبر

صفحه ۴

۱۶ آذر کابوس جمهوری اسلامی

است، فرارسیدن این روز بیش از هر وقت سران این حکومت را به کابوس کشانده است. حکومت منفور اسلامی از اوج گرفتن دوباره فریاد آزادی اندیشه، آزادی و برابری،

صفحه ۲

۱۶ آذر سالهاست به روز اعتراض دانشجویان به دیکتاتوری، و روز فریاد زدن آزادی و آزادیخواهی تبدیل شده است. در شرایطی که التهاب دستیابی به آزادی و خلاصی از حکومت توحش سرمایه داری سراسر جامعه ایران را فرا گرفته

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax:0044-870 120 7768



۷ آذر ۱۳۸۲

۲۸ نوامبر ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

آزادی برابری حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مصاحبه با اصغر کریمی

یاد میگیرند که اسلام و حکومت‌های اسلامی از روی سنگسارها، قتل عامها، شکنجه‌ها، چادرهای سر کودکان معصوم، بی حقوقی مطلق زنان، شکم‌های که در ایران و الجزایر پاره کرده‌اند، بمب‌های که در معابر عمومی و دیسکوتک‌ها منفجر کرده‌اند، با یازده سی‌تا میرها، با طالبانها و بن لادن‌ها و ملاعمرها، با خمینی‌ها و خامنه‌ای‌ها و خاتمی‌ها باید شناخت. در این رشد خودآگاهی مردم، ما البته نقش مهمی داشته‌ایم. جامعه ایران بظرف انقلاب عظیمی میرود که جمهوری اسلامی و کل قوانین اسلامی و ضدزن آنرا جارو میکند. ما در اسلو اجتماع می‌کنیم تا توجه بشریت متدمن را به این واقعیات، به بیانیته ارتجاعی کمیته صلح و به ضرورت حمایت قاطع از حقوق زنان و کل مردم ایران جلب کنیم.

هفتگی: نتایج سخنان شیرین عبادی در مجلس و با رسانه‌ها بدنبال سر و صدا و هیاهوی اولیه‌ای که بر سر جایزه نوبل راه انداخته بودند چیست؟

اصغر کریمی: سخنان شیرین عبادی در دفاع از اسلام و مجلس و رئیس جمهوری اسلامی تاکنون جز افشای خود ایشان و کمیته صلح نوبل و کل آن اپوزیسیون که آب در دهانش راه افتاده بود، نتایجی نداشته است. شیرین عبادی کار حزب کمونیست کارگری در افشای کل این پروژه را تسهیل کرد. در حالیکه از اپوزیسیون راست و رضا پهلوی تا مجاهد و دمکرات، از اکثریت و توده و راه کارگر تا انواع شعب جنبش ملی اسلامی و بخش‌هایی از خود حکومت اسلامی موضع مشترکی اتخاذ کردند، حزب کمونیست کارگری محتوای واقعی پیام و تصمیم کمیته صلح نوبل و اهداف پشت پرده دول اروپا را طی اطلاعاتی‌ها و از طریق نوشته‌ها و مصاحبه‌های کادرهای حزب به مردم توضیح داد. کسی که واقعا دنبال حقیقتی می‌گردد اینجا هم میتواند تفاوت عمیق این حزب با همه شاخه‌های اپوزیسیون را ببیند و به ما حق بدهد.

هفتگی: هدای جایزه نوبل را به شیرین عبادی به نوعی به مساله زنان در ایران مربوط کرده‌اند، در این باره شما چه نظری دارید، تظاهرات اسلو آیا ارتباطی به مساله آزادی زن دارد؟

اصغر کریمی: هم جایزه نوبل به مساله زن در ایران مربوط است و هم می‌تینگ اعتراضی ما، اما با دو هدف کاملاً متفاوت. اجازه دهید توضیح بیشتری بدهم. واقعیت این است که جنبش سرنگونی طلبانه رادیکال و ضد اسلامی که در ایران در جریان است کمیته صلح نوبل را به صرافت جایزه به شیرین عبادی

اصغر کریمی: بنظر من حول و حوش این جایزه حقایق مهمی مورد تاکید قرار گرفت. کسی پرچمدار آزادی است که با اسلام سر سازش ندارد، کسی پرچمدار آزادی است که روندهای مهم سیاسی را میبندد و جامعه را حول آن آموزش میدهد، موانع و دست اندازهای که جلو مردم میگذارند را میشناسد و افشا میکند. جامعه به احزابی که با هر بادی میروند و بعد موضع عوض میکنند اعتماد نمیکند. اگر کمی به عقب برگردیم اینرا میتوان در برخورد به خاتمی و دو خرداد، به حضور سران رژیم در خارج، به کنفرانس برلین و خیلی مقاطع دیگر هم مشاهده کرد که چگونه احزاب و سازمانهای متعددی به حمایت از دوزخ‌داد بلند شدند، به حزب کمونیست کارگری بد و بیراه گفتند و بعد، که دیگر همه چیز روشن شده بود، موضع عوض کردند. مردم حافظه تاریخی دارند و اینها را می‌بینند. مورد شیرین عبادی بنظر من یکی از مقاطع مهمی بود که حقانیت حزب کمونیست کارگری در میان بخشهای وسیعتری از مردم جا باز کرد و برعکس در میان احزاب و طیفهای سیاسی دیگر سرشکستگی ایجاد کرد و شکاف انداخت. خیلی‌ها روزهای اول موضع خلاف جریان ما را نمی‌پذیرفتند، و برخی از طرفداران عبادی هم فکر کردند در بادی خوابیده‌اند که میتوانند هر بد و بیراهی تثار ما کنند اما یکی دو هفته بعد، موضع‌ها عوض شد. آنها که ریگی در کفش نداشتند احترامشان به حزب بالا رفت، و حتی بعضی از آنها که از موضعی هیستریک با ما دشمنی میکردند خود به نقد عبادی برخاستند.

برای عده بیشتری اکنون عمیقاً ثابت شده است که افشای قوانین اسلام و مقابله با اسلام سیاسی کار ما است و این مانع که آن جنبش عمیق ضد‌مذهبی، آزادخواهانه و برابری طلبانه را نمایندگی می‌کنیم. حزب کمونیست کارگری به یک نیاز مبرم جامعه ایران تبدیل شده است. *

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

اسلو

کنفرانس مطبوعاتی آترناتیو ۹ دسامبر

می‌تینگ اعتراضی ۱۰ دسامبر

علی جوادی مسئول تلویزیون یک دنیای بهتر
مهرنوش موسوی سردبیر نشریه آزادی زن
پروین کابلی مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران- سوئد
سارا محمد مسئول تشکل "پلا و فادیمه را فراموش نکن" در سوئد
هاله طاهری مسئول کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان - سوئد
ناهید ریاضی عضو هیئت رئیسه انجمن قلم دانمارک، مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در دانمارک
داریوش نیکنام مسئول تشکیلات حزب کمونیست کارگری در نروژ
مرسد قانلی فعال سازمان آزادی زن - نروژ
ملکه عزتی فعال آزادی زن - نروژ
بهرام سروش فعال دفاع از حقوق پناهندگان و زنان در لندن

برنامه کنفرانس آترناتیو

روز ۹ دسامبر
سخنرانی و کنفرانس مطبوعاتی محل کنفرانس
مقابل ساختمان مؤسسه نوبل در اسلو Drammensveien 19
ساعت یک بعد از ظهر
بعد از اتمام کنفرانس از ساعت ۲ بعد از ظهر به بعد در مقابل پارلمان نروژ می‌تینگ خواهیم داشت

روز ۱۰ دسامبر
تجمع و تظاهرات در مقابل پارلمان نروژ ساعت ۲ بعد از ظهر و سپس تظاهرات در مرکز شهر ساعت ۲ بعد از ظهر

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

روز ۹ و ۱۰ دسامبر در مرکز شهر اسلو در نروژ کنفرانس مطبوعاتی و می‌تینگ اعتراضی برپا میشود. این یک کنفرانس افشاگرانه است که در برابر توطئه کمیته نوبل و دولتهای غربی علیه انقلاب مردم، حقایق را خواهد گفت. این یک کنفرانس آترناتیو در برابر کنفرانس دسیسه گرانه کمیته نوبل است. کنفرانس ما صدای مردم ایران را، صدای جنبش آزادیخواهی و سکولار و برابری طلب را منعکس خواهد کرد. این کنفرانس را که در ایران در جهنم اسلامی به تنگ آمده‌اند نمایندگی میکند و میخواهد به جهانیان بگوید که هرگونه تغییر در زندگی مردم ایران به سرنگونی حکومت اسلامی گره خورده است. میخواهد به همگان اطمینان دهد که این مردم به چیزی کمتر از این رضایت نمی‌دهند. کنفرانس ما در برابر جبهه ارتجاع اروپایی که کمر به نجات اسلام و حکومت اسلامی بسته است، از جدایی مذهب از دولت و جامعه سکولار و آینده بهتر برای مردم دفاع خواهد کرد

با ما به اسلو بیائید و صدای انسانیت و آزادیخواهی، صدای انقلاب مردم ایران را رساتر کنید!

سخنرانان این دو روز کنفرانس و می‌تینگ عبارتند از:

مینا احدی نماینده سازمان آزادی زن در خارج، سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه سنگسار
آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن، سردبیر نشریه مدوسا

از صفحه ۱ ۱۶ آذر کابوس جمهوری اسلامی

و مرگ بر جمهوری اسلامی توسط دانشجویان در این روز وحشت دارد. میتوان و باید این کابوس را پیش چشم تمام سران و دست‌اندرکاران این حکومت به واقعیت تبدیل کرد. فریاد "زنده باد آزادی زنده باد برابری مرگ بر جمهوری اسلامی" یا طنزینی قدرتمندتر میتواند و باید از دانشگاه‌ها که سنگر فعال سرنگونی طلبی و آزادی خواهی در سالهای اخیر بوده‌اند، به گوش رسد و نوید بخش انقلابی باشد که با قدرت عظیم طبقه کارگر و مردم محروم سیمای جامعه را دگرگون خواهد کرد.

جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. تمام این تبعیضات خشن و غیر

انسانی که سرپای جامعه را برای اکثریت عظیم مردم خفقان آور کرده باید ریشه کن گردد. فقر و فلاکت عمیق و کمر شکن و بی سابقه باید از این جامعه جارو شود. برابری زن و مرد، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و آزادی بی قید و شرط اندیشه و بیان و تشکل و تجمع باید به قانون اساسی جامعه تبدیل شود. جامعه ایران در عطف چنین تحولی میسوزد و ۱۶ آذر باید انعکاسی از این آزادی خواهی و از این تحول طلبی گسترده و عمیق توده‌های میلیونی مردم باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ آذر ۱۳۸۲ - ۲۷ نوامبر ۲۰۰۳

نوری در تاریکی

باند اسلامی تروریستی مقتدا صدر فراری داده شد

(رپرتاژی از تقابل حزب کمونیست کارگری عراق با تروریسم اسلامی در کرکوک)

عبدالله شریفی



گروهی مسلح، و به بهانه اینکه حامل پیامی برای مسئول دفتر حزب در کرکوک هستند، به داخل دفتر می روند. با مسئول دفتر حزب صحبت میکنند و نهایتاً با پروری میگویند که اگر "ظرف ۲۴ ساعت، ریبوار احمد را تحویل ما ندهید، روز جمعه که مصادف با روز "قدس" است، دفترتان را به آتش می کشیم." مسئول دفتر، در جواب میگوید اگر هر کسی و در هر زمانی، بخواهد کوچکترین تعرضی به ما بکند، متقابلاً با جواب قاطع ما روبرو خواهد شد. طبق اخبار ما این جریان تروریست خود را برای ماجراجویی آماده میکند.

روز پنجشنبه این باند، با آوردن نیرو از ناصریه و شهرهای جنوب عراق، قوای خود را برای توطئه روز جمعه متمرکز میکنند. ما مطمئن بودیم نمیتوانند کاری از پیش ببرند. آمادگی ما بسیار بالا بود.

صبح روز جمعه بیست و یکم نوامبر، نگرانی مردم محلات دادگاه سابق و مرکز شهر که دفتر حزب در آنجا واقع است، از آمادگی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری لیبختن تبدیل شد. تمام منطقه تا نزدیکی حسینیه، محل استقرار نیروهای مزدور مقتدا صدر، تحت کنترل نیروی نظامی حزب قرار داشت. مردم دسته دسته به دفتر حزب مراجعه میکردند، خبر رسانی میکردند و آمادگی خود را برای همکاری نظامی و تدارکاتی، اعلام میکردند. گروههای متعدد خبررسانی و تدارکات و ارتباطات، از زن و مرد، هوادار و دوستدار حزب، در سراسر شهر پیش بودند. جماعت مقتدا صدر هنگامی که با این وضع مواجه میشوند، و این جنب و جوش را می بینند، وحشت زده شده و حتی نتوانستند نماز جمعه خود را، به شیوه متعارف، برگزار کنند. کسی را نتوانستند بسیج کنند، نهایتاً با تعدادی کم، قصد برگزارد کردن راهپیمایی روز "قدس" را داشتند که آنهم به شکست و فضاختی دیگر برایشان تبدیل شد. این تعداد کم هم متفرق شدند و نیروی مسلحشان سرفکنده در داخل حسینیه زمینگیر شد.

رسانه های بین المللی و میدیای حلقه غرب اسامی تقابل ارتش آمریکا و تروریسم اسلامی و بعضی را منعکس میکنند. در بطن جامعه از هم گسیخته عراق اما حرکت دیگری، تقابل و صف آرایی جنبش آزادیخواهانه و حزب کمونیست کارگری برای پایان دادن به مصائب کنونی و در مقابل تروریسم اسلامی و قومی در جریان است. تقابل حزب کمونیست کارگری با گروه تروریست اسلامی مقتدا صدر در هفته گذشته از آن نمونه است که با سکوت میدیای "باشرف" و احزاب سیاسی در آن منطقه روبرو شده است. دفاع حزب کمونیست کارگری عراق از منافع مردم، از امنیت مردم، از آزادی مردم، از آینده جامعه، از مدنیت و زندگی مردم، تنها جریان مخالف این سناریو و تنها امید و روشیابی است. مقابله قاطع این حزب با جریانات قومی و اسلامی و در این میان، تقابل و کشمکش با باند مسلح و تروریست وابسته به مقتدا صدر، از ناصریه تا کرکوک، نمونه گویای این جدال بر سر زندگی است. این باند تروریستی در چند ماه گذشته چند بار دیگر و از جمله در ناصریه با حزب درگیر شده بود. اینبار ماجرا در کرکوک چنین شروع شد. ریبوار احمد لیبر حزب کمونیست کارگری عراق طی نوشته ای محکم و مستدل در هفته نامه الشیوعی العمالی (کمونیسم کارگری) نشریه مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق اسلام سیاسی را نقد و افشا میکند. دوشنبه ۱۷ نوامبر بعد از انتشار و توزیع نشریه، جریان اسلامی وابسته به مقتدا صدر هراسان میشوند. آنها با فرستادن

نیروی مسلح حزب و گروه تبلیغی ما با حضور فعال خود در میان مردم، به روشنگری و بحث، پراختند. مردم در مرکز شهر دور فعالین حزب حلقه زده و به سخنانشان گوش میدادند. این حرکت و آمادگی حزب و حمایت مردم شهر کرکوک، گروه جنایتکار و ضد آزادی مقتدا صدر را با انزجار بیشتر مردم روبرو کرد.

این گروه درمانده، فردای آن روز پنهانی در حاشیه شهر با نوشتن شعار علیه منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری عراق زبونی و ردالت خود را به نمایش گذاشتند.

بدیهی است مورد کرکوک و اتفاقات قبلی در ناصریه در متن یک جدال وسیعتر معنی پیدا میکنند. این جدال بر سر آینده جامعه انسانی است، امروز عراق مرکز این کشمکش است. تاریخ بشریت متأسفانه دارد از میان خون و باروت گذر میکنند. پیروزی و شکست در هر موردی بر کل این پروسه موثر خواهد بود. در مقابل لیست طویل پرسوناژهای سیاه که در سایه این شرایط جهنمی به صحنه

از صفحه ۱ همه چشمها بسوی کارگران نفت

میان کارگران نفت قرار میگیرد. امروز بهترین فرصت برای متحد شدن و سازماندهی مبارزه ای سراسری در تمامی بخش های نفت و جلب همبستگی وسیع کارگری است. برپایی مجامع عمومی منظم کارگری به عنوان ظرف اعتراض و مبارزه کارگران، ظرف اعمال تصمیم و قدرت کارگران امروز بیش از هر وقت ضروری و عاجل است. باید اجتماعات

هر روزه کارگران را به مجامع عمومی منظم ارتقاء داد. با برقراری تماس در میان کارگران در بخش های مختلف صنعت نفت در مقابل تکه تکه شدن صنعت نفت و ایجاد تفرقه در مبارزات کارگران ایستاد. کارگران نفت در بخش های مختلف آن باید همسرنوشتی خود با یکدیگر ببینند و از مبارزات یکدیگر پشتیبانی کنند. از جمله کارگران نفت در بخش های دیگر میتوانند با دادن قطعنامه های حمایت با مبارزات کارگران پتروشیمی و پیوستن به اجتماعات اعتراضی آنان مبارزاتشان را تقویت و پشتیبانی کنند. بطور مثال نباید گذاشت که کارگران پتروشیمی اراک ناچار به متوسل شدن به اشکالی چون اعتصاب غذا شوند. بهترین شکل مبارزه به میدان آمدن هر چه بیشتر کارگران و حمایت و همبستگی وسیع کارگری است. متوقف کردن چرخ اقتصاد جامعه و دست کشیدن از کار است. باید به تدارک مبارزه ای متحد و سراسری رفت. امروز همه چشمها بسوی کارگران نفت است. *

صنعت نفت است. حرف کارگران در همه جا اینست که خود را در استخدام صنعت نفت میدانند و به لغو یکجانبه قراردادهاشان با صنعت نفت معترضند. کارگران خواهان تضمین امنیت شغلی خود هستند.

رژیم میکوشد به اشکال مختلف و با انداختن تفرقه در میان کارگران و سیاستهای خود را به پیش ببرد. سیاست اجرای بازنشستگی پیش از موعد، قرار دادن کارگران در مقابل راه حل و اقدام فردی و روانه شدن برای جستجوی کار به بخش های دیگر نفت نظیر راه حلی که در مقابل کارگران پتروشیمی اراک قرار گرفت و نیز وعده و وعید دادن و وقت خیرین همگی نمونه هایی از این تلاشها بوده است.

واقعیت اینست که در شرایط سیاسی امروز اعتراضات کارگران پتروشیمی و گسترش آن به بخش های دیگر صنعت نفت، جایگاه مهمی به این مبارزات داده است. امروز در شرایطی که جامعه در التهاب و در اعتراض بسر میبرد، کارگران نفت با توجه به نقش کلیدی ای که در اقتصاد کشور دارند و با توجه به سابقه مبارزاتی شان به مثابه بخش پیشتاز طبقه کارگر، بیش از هر وقت نقش تعیین کننده ای در تغییر و تحولات سیاسی جامعه دارند. از همین رو گسترش مبارزه در بخش های مختلف نفت هم اکنون تمام توجه جامعه را به مبارزات آنان جلب کرده است. در چنین شرایطی وظیفه خطیری در مقابل کارگران کمونیست و فعال در

در کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری شرکت کنید

Tel: 0044 (0) 781 590 2237

Fax: 001 2532703362

e-mail: congress_4@yahoo.co.uk

ورودی هر نفر برای دو روز جلسه معادل ۴۰ پوند، ۶۵ دلار آمریکا و یا ۶۵ یورو است.

تعدادی امکانات خوابگاهی برای استفاده ناظرین تهیه شده است که بترتیب ثبت نام به متقاضیان اختصاص داده میشود. بها برای هر نفر، شامل صبحانه، نهار و شام، برای هر شب معادل ۴۰ دلار آمریکا، ۲۵ پوند و یا ۴۰ یورو است. برای اطلاع از جزئیات بیشتر تماس بگیرید.

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند. کنگره در نیمه اول دسامبر امسال برگزار میشود. این فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادراهی آن در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و یا ای میل زیر تماس بگیرید.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در حاشیه چند خبر

کاظم نیکخواه

قطعنامه نقض حقوق بشر

هفته گذشته قطعنامه ای علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به تصویب رسید. این قطعنامه جمهوری اسلامی را به خاطر موارد متعدد نقض حقوق بشر محکوم می‌کند و خواهان اینست که دو گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای بررسی وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران راهی ایران شوند. پیش نویس این قطعنامه روز ۲۸ آبان ماه توسط دولت کانادا به سازمان ملل داده شد و ۹ کشور این پیش نویس را امضا کردند. قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی با ۷۳ رای مثبت ۴۹ رای منفی و ۵۰ رای ممتنع به تصویب رسید. همه کس میداند که حقوق بشر در سازمان ملل یک ابزار دیپلماتیک در دست دولتهای غربی است و این دولتها زمانی بیاد نقض حقوق بشر می‌افتند که طرح آنرا در خدمت مصالح خویش ببینند. اینکه امروز یک بار دیگر قدرتهای اروپایی و آمریکایی بیاد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی افتاده‌اند، نیز از این قاعده مستثنا نیست. این که اروپا دیالوگ کذائی انتقادی با حکومت ایران را ناکافی می‌بیند، اینکه در آن سوی دیگر سیاست "رژیم چنج" آمریکا به حاشیه می‌رود و جای خود را به سخنرانی بوش در مورد خواست مردم برای تحول دموکراتیک در ایران و خاورمیانه میدهد، و تغییر لحن مدیای "مین استریم" غربی نسبت به حکومت اسلامی، همه اینها گذشته از هر چیز انعکاسی است از نگرانی غرب نسبت به آن جنبش و آن تحول عمیقی که در بطن جامعه ایران در حال شکل گیری است و میلیونها زن و مرد و پسر و جوان خود را بطور فزاینده ای با آن درگیر و همسو می‌یابند. قدرتهای سرنگونی حکومت را نمی‌شود از سیاست ایران قلم گرفت. می‌خواهند آنرا به یک اصلاح باب طبع خویش و حقوق یک بشر کم توقع تخفیف دهند. اما کمونیستها و کارگران و مردم ایران هم میدانند که تخفیف دادن در اهداف انسانی خویش را حتی اگر از سوی قدرتمندترین دولتها مطرح شده باشد، به‌چوچه نباید بی‌بازرسی.

از افسانه نوروزی چه خبر؟

وکیل افسانه نوروزی عبدالصمد خرمشاهی اخیرا اعلام کرد که پرونده افسانه نوروزی از مرحله اجرای حکم خارج شده و منتظر رسیدگی مجدد است. او همچنین گفت که بعید نیست



اولیای دم مقتول رضایت خود را برای چشم پوشی از قصاص افسانه نوروزی اعلام کند. خبرهای قبلی حاکی از این بود که افسانه نوروزی از زندانی در بندر عباس به تهران منتقل شده است. این خبرها بوی خوش رهایی یک انسان از زیر اعدام را انعکاس میدهد. باید امیدوار بود که افسانه از بیغولمه های حکومت و تیغ جلادان اسلامی رها شود و به آغوش خانواده و فرزند و همسرش باز گردد. همه آنها که فریاد افسانه را در سراسر جهان انعکاس دادند و یکی از قربانیان این هیولای مرگ طلب حاکم در ایران را به آستانه خلاصی رسانده اند، بی شک از آزادی او (اگر آزاد شود) عمیقا شاد خواهند شد. و نه فقط آنها بلکه همه آن میلیونها نفری که در سراسر جهان نگران سرنوشت افسانه نوروزی شدند، انتظار پا بیرون گذاشتن این زن از دروازه زندان را میکشند. افسانه نوروزی یکی از هزاران قربانی دستگاه آدم کشی این رژیم است که میخواستند او را بی سرو صدا به دار آویزند. داستان او پرده از گوشه های دیگری از عملکرد این دستگاه مخوف قرون وسطائی ای که صاحبان سرمایه در ایران برپا داشته اند، برداشت.

کارگران پتروشیمی بازمه اولنیاتوم دادند

هفته گذشته کارگران پتروشیمی اراک برای هشتمین بار در سالن آمفی تئاتر این کارخانه جمع شدند و مدیر پتروشیمی را به بازخواست کشیدند. او گفت کار زیادی نمیتواند در پاسخ به خواست کارگران انجام دهد زیرا تصمیم از بالاست و بهانه هایی را نیز ردیف کرد. تعدادی از کارگران هم گفتند روز دوشنبه ۱۰ آذرماه دست به اعتصاب غذا خواهند زد. باید دید این تهدید تا چه حد عکس العملی در برابر مستجاب الدعوه مدیر پتروشیمی اراک بوده یا قرار است کارگران بدلیلای از اعتصاب و تجمع و راهپیمایی تغییر تاکتیک دهند و به اعتصاب غذا روی آورند. اما تجربه همین چندماه پیش کارگران چیت بهشهر نشان داد که وقتی کارگران در کارخانه بست نشینند و دست به اعتصاب غذا دهند، حکومت توانست آنها را تا حد زیادی به موضع دفاعی بکشانند و منزوی کند. بعلاوه این اعتصاب غذا چندین تن از کارگران را به آستانه مرگ کشاند و صدمات جسمی جبران ناپذیری به آنها زد. خوشبختانه

خلخالی جلاد مرد!

سیاوش دانشور



چهارشنبه شب صادق خلخالی بدنبال یک عمل جراحی مرد. اولین احساس من نسبت به این خبر بی تفاوتی مطلق بود. خوشحال هم نشدم. عکسی را که میبینید تنها یکی از اعدامهای صحرائی خلخالی در تابستان ۵۸ است. من در ایندوره در همین مکان (فرودگاه سندنج) زندانی بودم. با این اعدامها هم غذا و هم اطاق بودم. با جمیل یخچالی و درویش عیسی و فولادی و ناصر سلیمی و برادران ناهید و دیگران. آنکه روی برانکارده دستور شیخ صادق به او شلیک میشود، یکی از ناهیدها است. درست یادم نیست شهیر یا احسن ناهید. فقط او که زخمی بود در سلول زندان فرودگاه همراه ما نبود. من و تعدادی از کسان دیگری که از این اعدامهای صحرائی خلخالی جان سالم بدر بردند، توسط پادوهای این نماینده خدا، نیمه شب به همین بیابان پشت فرودگاه برده میشدیم و اعدام مصنوعی شدیم. شاید هم تفریح پاسداران اسلام بود.

من از شایگان خصوصی خلخالی بودم. همانطور که شاکتی خصوصی لاجوردی و حاج داوود رحمانی هستم. اولی و دومی دیگر نیستند، اما سومی و امثال او و سرانشان هنوز زنده اند. هیچوقت آن قیافه کریه و ترسناک خلخالی را در صحنه دادگاهی ام فراموش نمیکنم. در اتاقکی حاج آقا با چهار اسکورت پشت میزی نشسته بود. نعلین و عبا و عمامه اش را در آورده بود، از رو صندلی اش بالا و پائین میپريد و فقط داد میزد. "صد

انقلاب کثیف، کمونیستی؟ اسلحه داشته؟ ... در مقابل او امثال من بودم؛ جوانانی ۱۵ تا ۲۵ ساله که روی یک صندلی شکسته نشاند بودند، دستشان بسته بود و از دو طرف چپ و راست لوله های تفنگ "۳" روی فقط فکر بچه هایش بود که حالا گرسنه هستند، مسن جمع سلول ما بود که حدود ۴۰ نفر را در آن چپانده بودند. "ابوشریف" هم کاربردست و زندانبان آنجا بود با پاسداران و تعدادی مزدور محلی رژیم.

عصر روز بعد از محاکمه ها تعدادی را بردند. دم صبح بود که صدای هلیکوپترها می آمد. پاسداران گفتند که تعدادی را منتقل میکنند. ما هم باور کردیم. در آن تابستان در سلول یک تشه پلاستیکی داشتیم که از کمر سوراخ بود. این ظرف آب آشامیدنی ما بود. چون تعدادمان زیاد بود باید خیلی کم آب میخوردیم، چون مشکل دستشویی رفتن هم داشتیم. دم صبح نوبت من بود که بروم تشه آب را پر کنم. در زندان فرودگاه چند مامور شهربانی هم بودند. یکی از آنها را دیدم و در فرصتی پرسیدم بچه ها را کجا بردند؟ گفت شماها سلامت باشید! پرسیدم یعنی چی؟ گفت اعدامشان کردند. آن پشت! هلیکوپترها برای این روشن بود که صدای تیر نیاید. گفت کاری نکند که فوری بفهمند، من زن و بچه دارم. اشک در چشمانم حلقه زد، اول بار بود چنین تجربه ای را می کردم. تشه آب را به سلول بردم. داستان را بعد از دقایقی

برای هم بندی هایم تعریف کردم. آنروز را کسی غذا نخورد و حرف نزد. دلم میخواست خلخالی زنده بود. دلم میخواست ما قربانیان، ما شاهدان زنده جنایتهای بیشمار، مردم و خانواده های این اعدامیها و دیگرانی که شاکتی خصوصی او هستند، در دادگاهی که جهان مخاברה اش میسکرد، از زبان خودشان میشنیدیم که این اوایشان با مردم ایران چه کردند. خلخالی اولین حاکم شرع خمینی بود که حتی خودش آمار کسانی را که اعدام کرده است نمیدانست. پشیمان هم نبود. او در دوره خاتمی دو خردادی بود. این خردادیه را داخل و خارج افتخار این را داشتند که چنین کسانی را در صفوف خود دارند. البته بقیه شان هم از همین قماش بودند. اینها همه شاگردان خمینی بودند و آنروزها هر کدام در گوشه ای "انجام وظیفه" میکردند. لاجوردی کشته شد و خلخالی مرد. اما جمهوری اسلامی حکومت لاجوردی ها و خلخالی ها و خامنه ای ها و خاتمی هاست. آنروز که مردم ایران سران و کارگزاران این حکومت را در دادگاهی عادلانه و علنی در مقابل چشم جهان به محاکمه بکشند، و دور نیست. شک ندارم که دادگاه سران حکومت اسلامی در تاریخ بسیار مهمتر از دادگاه نورنبرگ خواهد بود. *

خلخالی شاخص حکومت اسلامی بود

شده بود با افتخار یاد میکرد. جمهوری اسلامی رژیم خلخالی ها است و خلخالی های زیادی دارد. شکنجه گران، زندانبانان، فتوادهندگان، حاکمان شرع، ملا حسنی ها و ریشهری ها، و رفسنجانی ها و خامنه ای ها، فرماندهان سپاه و سران حزب الله، سازماندهندگان و هدایت کنندگان یک ماشین عظیم جنایت اند. اعدام بیش از صد هزار انسان تنها یک فقره از جنایات این

جانان است. روزی که با انقلاب مردم ایران، تمام این جنایتکاران در مقابل مردم ستمدیده ایران و در مقابل دوربین های رسانه های بین المللی به جنایات آشکار و پنهان خود اعتراف کنند دیر نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ نوامبر ۲۰۰۳

دست به این شیوه دردناک مبارزه بزنند. کارگران پتروشیمی تا اینجا استوار در برابر حکومت ایستاده اند و کفایت این مبارزه نشانه ای از گسترش به سایر بخشهای صنعت نفت را از خود نشان دهد تا حکومت در برابر آنها سر تسلیم فرود آورد. *

اعتصابات تا همینجا جمهوری اسلامی را به موضع کاملا دفاعی انداخته است و بنظر میرسد ادامه متحذانه تر همین روش کارسازتر باشد. باید امیدوار بود که تمامی کارگران نفت بتوانند از همکاران خود به شیوه های مختلف پشتیبانی کنند و کارگران پتروشیمی اراک ناچار نشوند

کارگران بهشهر همراه با اوجگیری تظاهراتهای مردم علیه جمهوری اسلامی اعتصاب غذا را شکستند و به خیابان ها آمدند و همراه دهها هزار نفر از مردم شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سردادند. تا آنجا که به کارگران پتروشیمی برمیگردد همین فشار اعتراضات و تجمعات و